

بسم الله الرحمن الرحيم

مختصات سبک زندگی رزمندگان در دوران دفاع مقدس

تقریرگفت و گوی سیدحسین شرف الدین در هفته دفاع مقدس در جمع مخاطبان کانون طلوع، وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۴۰۲/۷/۱.

در یک تصویرسازی کلی و فارغ از التفات به جزئیات، فضای گفتمانی غالب (یعنی فضای اعتقادی، ارزشی، منشی، نمادی و عملی) و شیوه سلوک و گذران زندگی در جبهه ها در دوران دفاع مقدس یا به تعبیر دوستان سبک زندگی رزمندگان در این دوره را می توان اینگونه ترسیم نمود:

جبهه های جنگ کانون تجمع جوانهاونوجوانانی بود که تازه از کنش گری برای به ثمر رساندن انقلاب اسلامی فارغ شده بودند و لذا شور و نشاط انقلابی بارزترین ویژگی این جماعت بود. (انقلابی بودن یعنی داشتن خشم و نفرت، همراه با شجاعت و تهور، خستگی ناپذیری، مجاهدت و ایثار، دشمن ستیزی، تعلیق موقت قواعد متعارف زندگی و نتیجه گرایی(تلاش در جهت پیروزی بر دشمن))

از طرفی چون جنگ تحمیلی با هدف نابودی یا ایجاد وقفه در روند همین انقلاب که ثمره مجاهدت آنها بود، براه افتاد؛ انگیزه مضاعفی برای مشارکت دغدغه مند در آن و حماسه آفرینی وجود داشت. (انگیزه مضاعف: یعنی اهتمام توأمان به دفاع از کیان ملی و تمامیت ارضی و دفاع از کیان انقلاب اسلامی).

از طرفی حضور و زندگی در فضا و محیط جبهه، زمینه خلق زیست جهانی کاملاً متفاوت از زیست جهان های معهود و مالوف با مختصاتی ویژه را فراهم ساخت.

طبیعی است که زیست مطلوب و کنش گری موفق در این عرصه نوپدید؛ جامعه پذیری، نظام ارتباطی، خلق و منش، قواعد رفتاری و الگوی زیستی متناسبی را می طلبید.

به بیان دیگر، استقرار افراد در یک موقعیت عدیم النظیر و غیر متعارف مثل موقعیت جبهه و جنگ، به طور قهری، نظامی از باورها، ارزش ها، هنجارها، آیین ها، رسومات و عادت واره های متناسب را اقتضاء و تحمیل می کرد.

از این رو، فرایند زیست جبهه ای به صورت طبیعی زمینه شکل گیری و غلبه سبک خاصی از گذران زندگی و شیوه ای نسبتاً غیر متعارف از بودن و شدن را فراهم ساخت.

سبک غالب یا مرجح در جبهه نه مولود یک یا چند عامل که برساختی از مشارکت عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، روانی، جغرافیایی، اقلیمی، نظامی، امنیتی، ارتباطی است.

همگنی بسیار بالای رزمندگان نیز در شکل گیری، استقرار و تداوم این سبک قویا موثر بوده است. مظاهر این همگنی، مشابهت بالای رزمندگان در برخی ویژگی ها است:

ویژگی هایی مثل جوان بودن، جنسیت مردانه (خانم ها عمدتاً در میدانهای پشت جبهه حضور داشتند)، مهاجرت از شهر و دیار و فاصله گزینی موقت از محیط مالوف، ترک اشتغالات روزمره و وظایف و انتظارات معمول، تعلیق همه تعینات موقعیتی و هویتی، رهایی نسبی از قید تعلقات، تمنیات، تعهدات، رفاهیات و زخارف زندگی؛ دل مشغولی عمیق به باورداشت های دینی (اشتراک در بینش ها، ارزشها، نگرش ها، منش ها، آرمانها، انگیزه ها و کنش های دینی و مورد تایید دین)، تشبه روحی به قهرمانان و مجاهدان بزرگ تاریخ اسلام بویژه امام حسین (ع) و اصحاب او در صحنه کربلا، آمادگی بالا برای اقدامات ایثارگرایانه، استقرار در مکان و فضایی غیرمعمول (به لحاظ جغرافیایی، فیزیکی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی، ارتباطی، شغلی، معیشتی، رفاهی)، غلبه جمع گرایی و مهار فردیت ها (در راستای تحقق ماموریت های محوله)، هدف و ماموریت معین و مشخص، زیست مخاطره آمیز در برزخ میان زندگی و مرگ و درک شهودی رقیق بودن مرز میان ایندو، اشتهاى وافر به زیست مومنانه و کسب معنویت (از طریق خلوت با خود، تامل در حقیقت و فلسفه زندگی، تهذیب نفس و تزکیه باطن، عبادت و بندگی، دعا و نیایش عاشقانه با خداوند، توسل به اولیاء و ائمه (ع)، تمایل به

الگوگیری از بزرگان دین در مسیر بندگی، جبران برخی کاستی‌ها و...، دل سپردگی عمیق به منویات و فرامین رهبری (حضرت امام ره)؛ اطاعت از مقامات مافوق و فرماندهان نظامی و ...

مختصات برجسته این سبک از زندگی (در سطح عاملان)

تعلق خاطر وثیق به باورها، ارزشها و آرمانها دینی (اسلامی و شیعی)، ولایت مداری، یک رنگی و یکدلی و ترک تفاوت‌ها و تمایزات (حتی در لباس)، انسجام و یکپارچگی در مسیر دست‌یابی به هدف (غلبه بر دشمن)، جمع‌گرایی و عبور از خود بینی‌ها، سبک‌باری و رهایی از تعلقات و تمنیات محدود کننده، معنویت‌گرایی و تعالی‌جویی، ساده‌زیستی و بسنده کردن به ضروریات، وظیفه‌گرایی و تلاش در عمل به وظیفه، پایداری و صبوری و آمادگی بالا برای تحمل مصائب و سختی‌ها، میل وافر به ایثار و مجاهدت، غلبه عقلانیت ارزشی بر عقلانیت ابزاری و محاسباتی، غلبه مرگ‌اندیشی و شهادت‌طلبی.

بی‌شک، این شرایط، زمینه مناسب و از جهاتی استثنایی را برای غلبه یک سبک زندگی غیر متعارف فراهم می‌ساخت که در دوره پساجبهه و پسا جنگ، به دلیل برهم خوردن این فضا، تغییر ساختارها، مناسبات، تغییر مولفه‌های بنیادین آن زیست جهان، تغییر نظام انتظارات، ارتباطات و تعاملات و تغییر اهداف قریب، میانه و غایی؛ امکان ادامه و امتداد آن به طور کامل و با همان سبک و سیاق وجود ندارد.

به بیان دیگر، در دوره پساجبهه، برخی از این عناصر، مضامین و اهداف مثل معنویت‌گرایی یا کاهش تعلقات این جهانی را می‌توان در قالب‌ها و فرمهای دیگری متناسب با اقتضای جهان زیست متعارف تعقیب کرد.